

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نگاهی نظام مند به
مفهوم و جایگاه زن در
اندیشه امام خامنه ای
[به روش تلخیص مزجی]

نگاهِ اسلام



معاونت خواهران
مؤسسه میقات جوانان انقلاب اسلامی

(بهار ۱۴۰۲) - ویرایش سوم

نگاه انسانی به زن و مرد

۱ از آن نقاطی که من می‌خواهم عرض بکنم، نگاه اسلام به مسئله‌ی جنسیت و به مسئله‌ی زن است که نظر اسلام نسبت به مسئله‌ی زن و مرد چیست. من حالا مختصری می‌گویم، تبیین و تفصیل و تفریع فروعش با شماها است که دنبال کنید، تحقیق کنید، کار کنید. درباره‌ی نظر اسلام این‌جوری میشود گفت که اسلام در ارزش‌گذاری انسانی و اسلامی، انسان را مورد نظر دارد؛ زن و مرد هیچ خصوصیتی ندارند، هیچ تفاوتی ندارند؛ تساوی زن و مرد در زمینه‌ی ارزشهای انسانی و اسلامی جزو مسلمات اسلام است؛ در این هیچ تردیدی نیست^۱. نگاه اسلام این است که زن و مرد از لحاظ ارزشهای انسانی برابرند: **إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ** تا آخر؛ مرد مسلمان و زن مسلمان در مورد ارزشهای الهی و انسانی هیچ تفاوتی با همدیگر ندارند. وظایف مشترکی هم هر دو دارند؛ وظیفه‌ی امر به معروف مشترک است، وظیفه‌ی خدمت مشترک است، وظیفه‌ی جهاد فی‌سبیل‌الله [برای] هر کدام به نوعی مشترک است، مربوط به مرد یا مربوط به زن ویژه نیست. هر کدام هم وظایف ویژه‌ای دارند؛ زن وظایفی دارد، مرد وظایف ویژه‌ای دارد که خدای متعال به خاطر اداء همین وظایف ویژه، ترکیب ساختمان جسمی و روحی آنها را هم متناسب با آن وظیفه بنا کرده و خلق کرده. بنابراین این نگاه اسلام و نگاه جمهوری اسلامی به زن است، و ما به این نگاه افتخار میکنیم؛ ما سر تا پا اعتراض به منطق غربی و روش غربی و سبک زندگی غربی در مورد زنیم؛ معتقدیم آنها به زن دارند ظلم میکنند^۲. نگاه اسلام به جنسیت، یک نگاه درجه‌ی دو

است؛ نگاه اول و درجه‌ی یک، حیث انسانیت است؛ که در آن، جنسیت اصلاً نقشی ندارد. خطاب، انسان است. [...]جنسیت یک امر ثانوی است، یک امر عارضی است؛ در کارکردهای زندگی معنا پیدا میکند، در سیر اصلی بشر هیچ تأثیری ندارد و معنائی پیدا نمیکند.^۳....

تکامل و رشد خود زن

۲ زن را از سه دیدگاه میشود مورد ملاحظه قرار داد تا بینش اسلامی نسبت به او آشکار شود. عرصه اول عرصه‌ی تکامل و رشد معنوی خود زن است. زن و مرد در این بخش، هیچ تفاوتی در میدان رشد و تکامل معنوی ندارند. یعنی مرد میتواند به عالیت‌ترین مقامات از لحاظ معنوی برسد؛ زن هم میتواند به بالاترین مقامات از لحاظ معنوی برسد. مرد میتواند به حدّ علی بن ابی طالب علیه السلام برسد و زن میتواند به حدّ فاطمه‌ی زهرا سلام الله علیها برسد. در تاریخ، زنان بزرگ و برجسته‌ای حضور داشته‌اند؛ همچنان که مردان بزرگ و برجسته‌ای بوده‌اند. در قرآن، وقتی خدای متعال میخواهد برای مؤمنین مثال بزند، از زن مثال میزند: “و ضرب الله مثلاً للذین آمنوا امرأت فرعون” زن به عنوان عنصر مؤمن برجسته‌ای که نظیر او در میان انسانهای آن روز هم نبود یا کمیاب بود، حضور دارد.^۴ اسلام طرفدار تکامل بشر است. برای اسلام، زن و مرد هیچ فرقی ندارد. برای اسلام، جنس زن یا جنس مرد مطرح نیست؛ تکامل انسانی مطرح است. یک جا سخن از مرد گفته می‌شود، یک جا سخن از زن. به یک مناسبت از زن تجلیل می‌شود، به یک مناسبت از مرد؛ چون دو حصّه‌ی پیکره‌ی بشرند، دو بخش وجود بشری هستند. از لحاظ جنبه‌ی بشری و جنبه الهی، هیچ تفاوتی با همدیگر ندارند. لذا در

قرآن آن وقتی که می‌خواهد راجع به انسانهای خوب یا انسانهای بد مثل بزند، از زن مثل می‌آورد: "و ضرب الله مثلاً للذین کفروا امرأة نوح و امرأة لوط". در مورد کسانی هم که مؤمن هستند، مثال می‌زند؛ "امرأة فرعون". در هر دو جا، مثال و نمونه‌ی کامل راه خطا و راه صواب را از زن ذکر می‌کند؛ یک جا هم راجع به مردان سخن می‌گوید.^۵ زنی در مقام مبارزه با قدرت طاغوتی شوهرش، زنی با استقلال کامل که زیر بار شوهر متجاوز و قدرتمند و فرعون صفت و فرعون نام خود نمی‌برد. عظمت این زن، این جاست که شوهر نمیتواند راه گمراهی را بر او تحمیل کند؛ اگرچه آن شوهر، شخصی در حد فرعون با آن قدرت و با آن شخصیت باشد. میلیونها مرد، زیر دست فرعون و محکوم اراده‌ی اویند؛ اما همسر خود این مرد، در خانه محکوم اراده‌ی او نیست؛ آزاد است، به خدا ایمان می‌آورد، راه فرعون را ترک می‌گوید و راه خدا و راه حق را انتخاب میکند. لذا به عنوان یک موجود و یک انسان برجسته، نه فقط از میان زنان، بلکه از میان همه‌ی بنی نوع بشر انتخاب میشود.^۶ زن دیگر، مریم مادر عیسی و دخترِ عمران است. "مریم ابنة عمران" مریم، زنی جوان است که در مقابل تهمت و نگاه سوء ظن آلوده‌ی همه‌ی مردم شهر و منطقه‌ی خود، مثل کوه می‌ایستد و کلمه‌الله و روح را که خدای متعال با قدرت کامله‌ی خود در دامن پاک او گذاشته است، بر روی دست می‌گیرد و مثل نورافکنی فرزند خود را بر دنیای تاریک آن زمان می‌افکند. این دو زن، دنیا را نور باران میکنند. این، نشان دهنده‌ی آن است که در میدان عظیم و محشر وسیعی که همه‌ی انسانها، از اولین و آخرین جمع شده‌اند؛ وقتی خدای متعال

میخواهد دو انسان را از مجموع همه‌ی انسانها انتخاب کند و به عنوان مثل و نمونه، آنها را معرفی کند، دو زن را انتخاب میکند؛ نه دو مرد را و نه یک مرد و یک زن را. در این کار، رازهایی است.^۷

عدم تفاوت زن و مرد در اجازه فعالیت های اجتماعی

۳ عرصه‌ی دوم، عرصه‌ی فعالیتهای اجتماعی است؛ اعم از فعالیت اقتصادی، فعالیت سیاسی، فعالیت اجتماعی به معنای خاص، فعالیت علمی، درس خواندن، درس گفتن، تلاش کردن در راه خدا، مجاهدت کردن و همه‌ی میدانهای زندگی در صحن جامعه. در این جا هم میان مرد و زن در اجازه‌ی فعالیتهای متنوع در همه‌ی میدانها، هیچ تفاوتی از نظر اسلام نیست. اگر کسی بگوید مرد میتواند درس بخواند، زن نمیتواند؛ مرد میتواند درس بگیرد، زن نمیتواند؛ مرد میتواند فعالیت اقتصادی انجام دهد، زن نمیتواند؛ مرد میتواند فعالیت سیاسی کند، زن نمیتواند، منطق اسلام را بیان نکرده و بر خلاف سخن اسلام حرف زده است. از نظر اسلام، در همه‌ی این فعالیتهای مربوط به جامعه‌ی بشری و فعالیتهای زندگی، زن و مرد دارای اجازه‌ی مشترک و همسان هستند. البته بعضی از کارها هست که باب زنان نیست؛ چون با ترکیب جسمانی آنها تطبیق نمیکند. بعضی از کارها هم هست که باب مردان نیست؛ چون با وضع اخلاقی و جسمی آنها تطبیق نمیکند. این موضوع ربطی به این ندارد که زن میتواند در میدان فعالیتهای اجتماعی باشد یا نه. تقسیم کار، بر حسب امکانات و شوق و زمینه‌های اقتضای این کار است. اگر زن بخواهد شوق داشته باشد، میتواند فعالیتهای گوناگون اجتماعی و آنچه که مربوط به جامعه است، انجام دهد.^۸ اسلام با کار کردن زن

موافق است. نه فقط موافق است، بلکه کار را تا آن جا که مزاحم با شغل اساسی و مهمترین شغل او، یعنی تربیت فرزند و حفظ خانواده نباشد، شاید لازم هم می‌داند.^۹

اشتغال بانوان از جمله‌ی چیزهایی است که ما با آن موافقیم. بنده با انواع مشارکتهای اجتماعی موافقم؛ حالا چه از نوع اشتغال اقتصادی باشد، چه از نوع اشتغالات سیاسی و اجتماعی و فعالیتهای خیرخواهانه و از این قبیل باشد؛ اینها هم خوب است. زنها نصف جامعه‌اند و خیلی خوب است که اگر ما بتوانیم از این نیم جامعه در زمینه‌ی اینگونه مسائل استفاده کنیم^{۱۰} یک کشور که نمی‌تواند از نیروی کار زنان در عرصه‌های مختلف بی‌نیاز باشد! اما این کار نباید با کرامت و ارزش معنوی و انسانی زن منافات داشته باشد. نباید زن را تذلیل کنند و او را وادار به تواضع و خضوع نمایند.^{۱۱} زن مسلمان مثل مرد مسلمان حق دارد آنچه را که اقتضای زمان است، آن خلایق را که احساس میکند، آن وظیفه‌ای را که بر دوش خود حس میکند، انجام دهد.



چنانچه دختری مثلاً مایل است پزشک شود، یا فعالیت اقتصادی کند، یا در رشته‌های علمی کار کند، یا در دانشگاه تدریس کند، یا در کارهای سیاسی وارد شود، یا روزنامه‌نگار شود، برای او میدانها باز است.^{۱۲} در فعالیت سازندگی، در فعالیت اقتصادی، در طراحی و فکر کردن و برای امور کشور و یک شهر و یک روستا و یک مجموعه و امور شخصی خانواده مطالعه کردن، میان زن و مرد تفاوتی نیست. همه مسئولند و همه باید انجام دهند.^{۱۳} زن در تمام صحنه‌های اجتماعی هم می‌تواند شرکت کند، درس بخواند، درس بدهد، کسب کند، شغل اداری بگیرد، کارگری کند و تمام فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی و مبارزاتی را که مرد انجام می‌دهد، زن هم با حجاب انجام دهد.^{۱۴} به شرط رعایت عفت و عفاف و عدم اختلاط و امتزاج زن و مرد، در جامعه‌ی اسلامی میدان برای زن و مرد باز است. [...] این‌که می‌فرماید: "من اصبح لا یهتّم بامور المسلمین فلیس بمسلم"، مخصوص مردان نیست؛ زنان هم باید به امور مسلمانان و جامعه‌ی اسلامی و امور جهان اسلام و همه‌ی مسائلی که در دنیا می‌گذرد، احساس مسئولیت کنند و اهتمام نمایند؛ چون وظیفه‌ی اسلامی است.^{۱۵} مسئولیتهائی هست که مشترک است. همانطور که گفتیم، مسئولیت حضور در جامعه و فهمیدن دردهای عمومی جامعه و سعی در علاج دردهای عمومی جامعه، مخصوص مرد و مخصوص زن نیست؛ زن‌ها هم نمیتوانند شانه‌شان را از این مسئولیت خالی کنند. اگر زن‌ها باید در این زمینه کاری انجام بدهند، البته باید انجام بدهند - محدودیتی هم وجود ندارد.^{۱۶} اما مرز بین زن و مرد وجود

دارد. معنای آن مرز هم این نیست که زنان و مردان در یک محیط تحصیل نکنند، در یک محیط عبادت نکنند، در یک محیط کار نکنند و در یک محیط خرید و فروش نکنند - که این قبیل موارد، فراوان است - بلکه معنایش این است که حدّ و حدودی در اخلاق معاشرتی خودشان قائل باشند. و این کار بسیار خوبی است.^{۱۷} تکبر از همه‌ی انسانها مذموم است، مگر از زنان در مقابل مردان نامحرم! زن باید در مقابل مرد نامحرم متکبر باشد. "فلا تخضعن بالقول"؛ در حرف زدن مقابل مرد نباید حالت خضوع داشته باشد. این، برای حفظ کرامت زن است. اسلام این را می‌خواهد و این الگوی زن مسلمان است.^{۱۸}

۴ در مورد وظایف اجتماعی، تکالیف زن و مرد یکسان است. نقشها مختلف است اما تکالیف یکسان است. یعنی هم زن، هم مرد برایشان جهاد واجب است منتها جهاد مرد یک جور است، جهاد زن یک جور دیگر است. یعنی مثلاً در همین دفاع هشت‌ساله، زنها هم مکلف بودند، تکلیف داشتند؛ تکلیفشان را هم خوب عمل کردند. زنها در این مدت اگر بهتر از مردها عمل نکرده باشند، حداقل به اندازه‌ی مردها عمل کردند.^{۱۹} من الآن در کاربدنی و جسمی که نسبتاً سخت هم هست دیدم شماها بهتر از این برادرها کار می‌کنید همچنین بی‌رودربایستی... من دیدم این برادرهای عزیز من که آمدم پهلویشان یک خرده کار کردند، یک خرده تماشای من می‌کردند اما وقتی آمدم پهلوشماها، شماها مشغول کارتان بودید، شعار هم دادید... اما از کارتان نماندید، این ممکن است چیز کوچکی در نظر بیاید، اما به نظر ما خیلی مهم است اینجور چیزها، این خیلی ارزش دارد. این

تکالیف اجتماعی مشترک ولی نقش های اجتماعی

جدی بودن زن ایرانی را نشان می دهد.^{۲۰} انسان می بیند جهاد این زن را؛ مرد رفته در میدان اما این [زن] دارد جهاد میکند؛ جهاد بر هر دوی آنها واجب است. امر به معروف و نهی از منکر، هم بر زن واجب است، هم بر مرد واجب است، منتها تقسیم نقش شده؛ نقشها یکسان نیست. این نگاه اسلام است نسبت به زن و نسبت به مرد در عرصه های مختلفی که من عرض کردم. خب این، هم یک نگاه مرفی است، هم عادلانه است: زن در جای برجسته ی خود، مرد هم در جای برجسته ی خود، و هر دو برخوردار از امتیازات قانونی، فکری، نظری و عملی؛ بر خلاف نظام ارزش گذاری و سرمایه داری غرب.^{۲۱}

نقش زن در خانواده

۵ عرصه سوم نگاه به زن، به عنوان یک عضو در خانواده است که این از همه مهمتر به نظر میرسد.^{۲۲} زن در خانواده یک وقت در نقش همسری ظاهر میشود، یک وقت در نقش مادری ظاهر میشود؛ هر کدام یک خصوصیتی دارند. در نقش همسری، زن در درجه ی اول مظهر آرامش است: وَ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا؛ آرامش. چون زندگی تلاطم دارد؛ مرد در این دریای زندگی مشغول کار و تلاطم است؛ وقتی به خانه می آید، احتیاج به آرامش دارد، احتیاج به سکینه دارد. این سکینه را زن در خانه ایجاد میکند؛ لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا؛ [یعنی] مرد در کنار زن احساس آرامش کند؛ زن مایه ی آرامش است. نقش زن به عنوان همسر، عشق و آرامش است، همین طور که قبلاً اشاره کردم، این کتابهای همسران شهدا را بخوانید، عشق و آرامش آنجا خوب واضح میشود و نشان میدهد خودش را که این مردی که حالا رفته داخل میدان جنگ — چه دفاع مقدس، چه دفاع از حرم، چه

بقیه‌ی میدانهای سخت — چطور در کنار این زن آرامش پیدا میکند و آن تلاطم روحی‌اش فرو می‌نشیند و چطور عامل عشق او را سر پا نگه میدارد، به او جرئت میدهد، به او جسارت میدهد، به او قوت میدهد تا او بتواند کار کند. یعنی زن به عنوان همسر این جوری است: مایه‌ی سکونت، مایه‌ی عشق و آرامش و مانند اینها است. حالا این مسئله‌ی سکونت را که گفتیم: "وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا؛ این یک آیه است؛ در یک آیه‌ی دیگر هم "خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً" دارد. مَوَدَّةً یعنی همان عشق؛ رَحْمَةً یعنی مهربانی؛ بین زن و شوهر عشق و مهربانی متبادل میشود. نقش زن به عنوان همسر این است؛ این نقش کوچکی نیست، خیلی نقش مهمی است، خیلی نقش بزرگی است.^{۲۳} ... شما ببینید شوهرداری فاطمه زهرا سلام الله علیها چگونه بود. شوهرش مرتب در جبهه است... از لحاظ زندگی هم وضع روبه‌راهی ندارند... در حالی که دختر پیامبر هم هست، یک نوع احساس مسؤولیت هم میکند. ببینید انسان چقدر روحیه قوی میخواهد داشته باشد تا بتواند این شوهر را تجهیز کند... بچه‌ها را به آن خوبی که او تربیت کرده، تربیت کند...



این‌طور خانه‌داری، این‌طور شوهرداری و این‌طور کدبانویی کرد و این‌طور محور زندگی فامیل ماندگار در تاریخ قرار گرفت. آیا اینها نمیتواند برای یک دختر جوان، یک خانم خانه‌دار یا مُشرف به خانه‌داری الگو باشد؟^{۲۴} اگر زنان ما از لحاظ رتبه‌ی معرفتی و بینش و معلومات، سطح خود را ارتقاء دهند، این نقش [مادری] با هیچ نقش دیگری، قابل مقایسه نیست... مادر است که فرهنگ و معرفت و تمدن و ویژگیهای اخلاقی یک قوم و جامعه را با جسم خود، با روح خود، با خلق خود و با رفتار خود، دانسته و ندانسته به فرزند منتقل میکند. همه تحت تأثیر مادران هستند. آن‌که بهشتی می‌شود، پایه‌ی بهشتی شدنش از مادر است.^{۲۵} مادرها مایه‌ی انتقال عناصر هویت ملی‌اند؛ هویت ملی یک چیز مهمی است. یعنی هویت یک ملت، شخصیت یک ملت در درجه‌ی اول به وسیله‌ی مادرها منتقل میشوند؛ زبان، عادات، آداب، سنت‌ها، اخلاقیهای خوب، عاداتهای خوب، اینها همه در درجه‌ی اول به وسیله‌ی مادر منتقل میشود... افشاننده‌ی بذر ایمان در دلها؛ مادرها هستند... اخلاق را همین‌طور.^{۲۶}



عزیزان من! در اسلام به مرد اجازه داده نشده است که به زن زور بگوید و امری را بر او تحمیل کند. برای مرد در خانواده، حقوق محدودی قرار داده شده است که از روی کمال مصلحت و حکمت است. این حقوق، برای هر کس گفته و تشریح شود، مورد تصدیق قرار خواهد گرفت. همچنین، برای زن نیز در خانواده، حقوقی معین شده است که آن هم از روی مصلحت است. مرد و زن، هر کدام طبیعت، اخلاق، روحیات و غرایزی دارند که ویژه خودشان است. آنها اگر از خُلقیات ویژه خود به طور صحیح استفاده کنند، در خانواده، زوجی کامل و هماهنگ و مساعد تشکیل میدهند.^{۲۷} احکام و مقررات اسلامی، در مورد ارتباطات زن و مرد در داخل عائله و خانواده، بسیار دقیق و ظریف است. خدای متعال، با توجه به طبیعت زن و مرد، با توجه به مصالح جامعه‌ی اسلامی، با توجه به مصالح زن و مرد، این احکام را معین کرده است. مرد فقط در چند مورد - که من یک مورد را تصریح میکنم و یکی، دو مورد دیگر را تصریح نمیکنم - حق دارد به زن دستور بدهد و زن موظف است که دستور را عمل کند. آن موردی که تصریح میکنم، این است که مرد میتواند از خروج زن از خانه بدون اجازه‌ی خود جلوگیری کند؛ به شرط این که در هنگام عقد ازدواج، شرطی در این مورد انجام نگرفته باشد. اگر شرطی در بین نباشد، مرد میتواند مانع شود. این، یکی از آن رازهای دقیق احکام الهی است و این، حق فقط به شوهر داده شده و حتی به پدر هم داده نشده است. پدر نمیتواند دختر خود را موظف کند که اگر خواست بیرون برود، از او اجازه بگیرد. پدر چنین حقی ندارد، یا برادر چنین حقی نسبت به خواهر ندارد؛ اما

شوهر این حق را نسبت به زن دارد. البته در هنگام صیغه‌ی عقد، زنان میتوانند شروطی را به عنوان شرط عقد ازدواج ذکر کنند. این شروط را هم زن و هم مرد موظفند که عمل کنند. بنابراین، اگر شرط کردند، آن بحث دیگری است.^{۲۸}....

۶ خانمها اگر گفته میشود که مسؤولیتهای خانوادگی دارند،
یعنی مسؤولیت امور داخلی خانه این به معنای این نیست که مسؤولیت اجتماعی از دوش اینها برداشته است. بایستی این مسؤولیت را هم حفظ کنند و هر مقداری که با وجود حفظ این مسؤولیت توانایی دارند، آن توانایی را به مسؤولیتهای اجتماعی و سیاسی هم ضرب کنند.^{۲۹}.... خیال میکنند میگوییم داخل خانه بنشینید، هیچ کار نکنید، هیچ وظیفه‌ای انجام ندهید، تدریس نکنید، مجاهدت نکنید، کار اجتماعی نکنید، فعالیتهای سیاسی نکنید؛ معنای خانه‌داری این نیست.^{۳۰}.... چنانچه نگذارند زن به تحصیلات صحیح و به علم و معرفت دست پیدا کند، این ظلم است. اگر شرایط طوری باشد که زن فرصت پیدا نکند به خاطر زیادی کار و فشار کارهای گوناگون، به اخلاق خود، به دین خود و به معرفت خود برسد، این ظلم است.[...] اگر زن استعدادی دارد - مثلاً استعداد علمی دارد، استعداد برای اختراعات و اکتشافات دارد، استعداد سیاسی دارد، استعداد کارهای اجتماعی دارد - اما نمیگذراند از این استعداد استفاده کند و این استعداد شکوفا شود، ظلم است.^{۳۱}.... زنانی که به خاطر فعالیتهای خارج از خانواده، از آوردن فرزند استنکاف میکنند، برخلاف طبیعت بشری و زنانه‌ی خود اقدام میکنند. خداوند به این راضی نیست. کسانی که فرزند و تربیت فرزند و شیردادن به بچه و در آغوش مهر و

عظوفت بزرگ کردن فرزند را برای کارهایی که خیلی متوقف به وجود آنها هم نیست، رها میکنند، دچار اشتباه شده‌اند.^{۳۲} اما آنجایی که صحبت فعالیت اجتماعی است، صحبت جهاد در راه خداست، صحبت کار فرهنگی است، صحبت عرض کنم که پشت جبهه است، صحبت کارهای سیاسی گوناگون است، آنجا بله زن برود، آنجا وظیفه ی اوست، تکلیف اوست، بایستی هرچی هم می تواند اگر چنانچه آن کار، کار واجبی هست از کار داخل خانه هم بزند، آن را محدود کند تا اینکه بتواند به آن کار سیاسی و اجتماعی اش برسد.^{۳۳} اصلی ترین نقش یک زن از نظر اسلام همین نقش خانه‌داری است منتها مهم این است که خانه‌داری به معنای خانه‌نشینی نیست.[...] اگر چنانچه امر، یک جایی دائر شد بین اینکه جان این بچه حفظ بشود یا آن کار در اداره انجام بگیرد، جان این بچه مقدم است؛ در این تردیدی دارید؟ نه، یعنی هیچ زنی در این تردید ندارد که اگر جان بچه در خطر بیفتد یا آن کار در اداره در خطر بیفتد، جان بچه مقدم است.[...] [اگر] آن هم کار مجازی است، کار لازمی است، در مواردی ضروری است — یعنی کارهای اجتماعی در یک مواردی فریضه است، وظیفه است، باید انجام بدهید — آنجا خب باید انجام داد. البته آنجایی که فریضه است، بستگی دارد به اینکه اهمیت این فریضه چقدر باشد. حالا من مسئله ی جان را مثال زدم گاهی هست که اهمیت یک فریضه از جان بچه ی انسان، از جان همسر انسان، از جان پدر و مادر انسان بالاتر است. لذا شما به امام حسین عرض میکنید: بِأَبی أَنْتَ وَ أُمّی پدر و مادرم قربانت. از پدر و مادر چه کسی بالاتر؟ جانشان قربان جان شما. یا در آیه ی قرآن

[میفرماید]: «قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ» تا بقیه‌ی آن که: «أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا»؛ نباید اینها را بیشتر از خدا و جهاد در راه خدا دوست داشته باشیم؛ یک جاهایی این جور است. فریضه وقتی که بزرگ شد، عظمت پیدا کرد، حتی بر جان کودک هم ترجیح پیدا میکند.^{۳۴} ... در صدر اسلام، زن در میدان جنگ، علاوه بر بستن زخم مجروحان - که این کار بیشتر بر عهده‌ی زنان بود - حتی گاهی با نقاب، در میدان جنگ و رزمهای دشوار آن روز، شمشیر هم میزد! درعین حال در داخل خانه، فرزندان خود را هم در آغوش می‌گرفت، تربیت اسلامی هم میکرد، حجاب خود را هم حفظ میکرد؛ چون اینها منافاتی با هم ندارد. اگر کسی درست توجه کند، خواهد دید که منافاتی ندارد. بعضی افراط میکنند، بعضی تفریط میکنند. بعضی میگویند چون فعالیت اجتماعی اجازه نمیدهد به خانه و شوهر و فرزند برسیم، پس فعالیت اجتماعی نباید بکنیم. بعضی میگویند چون خانه و شوهر و فرزند، اجازه



نمیدهد فعالیت اجتماعی بکنیم، پس شوهر و فرزند را باید رها کنیم. هر دو غلط است. نه این را به خاطر آن، نه آن را به خاطر این، نباید از دست داد.^{۳۵} اما این کار اساسی را - که کار خانه و خانواده و همسر و کدبانویی و مادری است - تحت الشعاع قرار ندهد. میشود هم. به نظرم میرسد مواردی داشتیم که خانمهایی اینطور عمل میکردند. البته یک قدری به آنها سخت میگذرد؛ هم درس خواندند، هم درس دادند، هم خانه‌داری کردند، بچه آوردند، بزرگ کردند، تربیت کردند. پس ما با آن اشتغال و مشارکتی کاملاً موافق هستیم که به این قضیه‌ی اصلی ضربه و صدمه نزنند؛ چون این جایگزین ندارد.^{۳۶} نظر اسلام این است که در میدان فعالیت علمی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، نباید بر زن تحمیل و اجبار کرد؛ چنان که به سد کردن راه او هم نباید پرداخت. اگر خانمها میخواهند وارد فعالیتهای اجتماعی و سیاسی شوند، مانعی نیست. البته فعالیت علمی، خیلی خوب است و بر سایر فعالیتهای ترجیح دارد.^{۳۷}

۷ در خانواده هی گفته میشود نقش زن. دلیلش هم واضح است؛ چون زن در خانواده عنصر محوری است. اما اینجور نیست که مرد در خانواده وظیفه و مسئولیت و نقشی نداشته باشد. مردهای بیخیال، مردهای بی‌عاطفه، مردهای عباش، مردهای قدرشناس زحمات زن خانه، اینها به محیط خانه لطمه میزنند. مرد باید قدردان باشد. جامعه باید قدردان باشد. حتماً بایستی بر روی کار زنهای خانه‌دار ارزشگذاری ویژه بشود.^{۳۸} تصوّر از زن در خانه، تصوّر یک موجود درجه‌ی دویی [است] که موظف به خدمتگزاری به دیگران است؛ این تصوّر بین خیلی‌ها هست؛

**مرد در خانواده
دارای نقش و
وظیفه است**

حالا بعضی‌ها به زبان می‌آورند، به‌رو می‌آورند، بعضی‌ها هم به رو نمی‌آورند، اما در دلشان این است - این درست نقطه‌ی مقابل آن چیزی است که اسلام بیان کرده است.^{۳۹}

در داخل خانواده هم، از نظر اسلام مرد موظف است که زن را مانند گلی مراقبت کند. می‌فرماید: «المرأة ریحانة» زن گل است. این مربوط به میدانهای سیاسی و اجتماعی و تحصیل علم و مبارزات گوناگون اجتماعی و سیاسی نیست؛ این مربوط به داخل خانواده است. «المرأة ریحانة و لیست بقهرمانة» این چشم و دید خطابینی را که گمان میکرد زن در داخل خانه موظف به انجام خدمات است، پیغمبر با این بیان تخطئه کرده است. زن مانند گلی است که باید او را مراقبت کرد. با این چشم باید به این موجود دارای لطافت‌های روحی و جسمی نگاه کرد. این نظر اسلام است. هم خصوصیت زنانگی زن که همه احساسات و خواسته‌های او بر اساس این خصوصیت زنانگی است، حفظ شده است، بر او تحمیل نشده است، از او خواسته نشده است، که در حالی که زن است، مثل مرد فکر کند، مثل مرد کار کند، مثل مرد بخواهد - یعنی خصوصیت زن بودن که یک خصوصیت طبیعی و فطری و محور همه احساسات و تلاش‌های زنانه است، در دید اسلامی حفظ شده - هم در عین حال، میدان علم، میدان معنویت، میدان تقوا، میدان سیاسی، بر روی او باز شده است و او، هم به کسب علم تشویق شده است، هم به حضور در میدانهای گوناگون اجتماعی و سیاسی. آن وقت در داخل خانواده هم به مرد گفته‌اند که حق تکلیف، تحمیل، زیاده‌روی، اعمال قدرتهای جاهلانه و غیر قانونی ندارد. این، آن نگاه اسلامی است.^{۴۰}

هویت اسلامی این است که زن در عین این‌که هویت و خصوصیت زنانه خود را حفظ میکند - که طبیعت و فطرت است و برای هر جنسی خصوصیات آن جنس ارزش است - یعنی آن احساسات رقیق را، عواطف جوشان را، آن مهر و محبت را، آن رقت را، آن صفا و درخشندگی زنانه را برای خود حفظ میکند، در عین حال، هم باید در میدان ارزشهای معنوی - مثل علم، مثل عبادت، مثل تقرب به خدا، مثل معرفت الهی و سیر وادیهای عرفان - پیشروی کند، هم در عرصه مسائل اجتماعی و سیاسی و ایستادگی و صبر و مقاومت و حضور سیاسی و خواست سیاسی و درک و هوش سیاسی، شناخت کشور خود، شناخت آینده خود، شناخت هدفهای ملی و بزرگ و اهداف اسلامی مربوط به کشورهای اسلامی و ملتهای اسلامی، شناخت توطئه‌های دشمن، شناخت دشمن، شناخت روشهای دشمن باید روز به روز پیشرفت کند و هم در زمینه ایجاد عدل و انصاف و محیط آرامش و سکونت در داخل خانواده باید پیشرفت داشته باشد. اگر قوانینی لازم است، اگر تصحیح و اصلاحی در مسائلی که به این‌جا منتهی میشود، لازم است، زنان، زنان باسواد، زنان آگاه، زنان بامعرفت، در همه این میدانها بایستی پیشروی کنند؛ الگوی زن را نشان بدهند؛ بگویند زن مسلمان زنی است که هم دین خود را، حجاب خود را، زنانگی خود را، ظرافتها و رقتها و لطافت‌های خود را حفظ میکند؛ هم از حق خود دفاع میکند؛ هم در میدان معنویت و علم و تحقیق و تقرب به خدا پیشروی میکند و شخصیت‌های برجسته‌ای را نشان میدهد و هم در میدان سیاسی حضور دارد. این میشود الگویی برای زنان.^{۴۱} زینب کبری یک

نمونه‌ی برجسته‌ی تاریخ است که عظمت حضور یک زن را در یکی از مهمترین مسائل تاریخ نشان میدهد. اینکه گفته میشود در عاشورا، در حادثه‌ی کربلا، خون بر شمشیر پیروز شد - که واقعاً پیروز شد - عامل این پیروزی، حضرت زینب بود؛ والا خون در کربلا تمام شد. حادثه‌ی نظامی با شکست ظاهری نیروهای حق در عرصه‌ی عاشورا به پایان رسید؛ اما آن چیزی که موجب شد این شکست نظامی ظاهری، تبدیل به یک پیروزی قطعی دائمی شود، عبارت بود از منش زینب کبری؛ نقشی که حضرت زینب بر عهده گرفت؛ این خیلی چیز مهمی است. این حادثه نشان داد که زن در حاشیه‌ی تاریخ نیست؛ زن در متن حوادث مهم تاریخی قرار دارد. زینب (سلام الله علیها) نشان داد که میتوان حجب و عفاف زنانه را تبدیل کرد به عزت مجاهدانه، به یک جهاد بزرگ. حضرت زینب کبری با این عده‌ی ناهمگون و غیر قابل اعتماد مواجه است، اما اینجور محکم حرف میزند. او زن تاریخ است؛ این زن، دیگر ضعیفه نیست. نمیشود زن را ضعیفه دانست. این جوهر زنانه‌ی مؤمن، اینجور خودش را در شرائط دشوار نشان میدهد. این زن است که الگوست؛ الگو برای همه‌ی مردان بزرگ عالم و زنان بزرگ عالم.^{۴۲}....

خانم‌ها بهترین افراد برای حل مسائل زنان

۸ من از بانوان کشورمان -چه خانمهایی که در حال تحصیلند؛ چه خانمهایی که فارغ‌التحصیلند؛ چه خانمهایی که در فعالیتهای سیاسی و اجتماعی و خدماتی حضور دارند؛ چه خانمهایی که در بخشهای مختلف مسؤولند و مسؤولیتهایی دارند و چه خانمهایی که در خانه‌ها هستند، اما دلشان به نور و روحیه انقلاب زنده است و محیط خانه‌ها را محیط اسلامی نگه‌میدارند-

خواهش میکنم که درباره نقش زن مسلمان در پیشرفت جامعه خودشان، باز هم فکر کنند. در باره تشکلهای سیاسی، کارهای علمی، خدمات ارزشمند، بالابردن سطح معرفت و معلومات و ایستادگی در مقابل دشمنان در همه مراکز و میدانهای که ایستادگی در آنها مؤثر است، فکر کنند.^{۴۳}.... نگذارید حضور نمایان زنان فعال در جبهه‌ی انقلاب کمرنگ بشود. دیگران در مواجهه‌ی با انقلاب و معارضه‌ی با انقلاب سعی میکنند از عنصر زن و زنان کارآمد استفاده کنند؛ جبهه‌ی انقلاب، زنان کارآمد و فعال و زبان‌آور و نویسنده و عالم و دانشمند بمراتب بیشتر دارد؛ خانمهایی که اهل اقدامند، اهل فکرند، اهل نگارش و نویسندگی‌اند، اهل سخن گفتند، اهل فکر دادند، صحنه‌ی انقلاب و دفاع از انقلاب را خالی نگذارند. دیدار در میدانهای سیاسی، ما خانمهایی را دیدیم و می‌بینیم که دارای قدرت تحلیل، قدرت سخنوری و آماده‌ی برای پذیرش مسئولیت در نظام اسلامی هستند که البته این کار باز هم رو به گسترش است و باید پیش برود.^{۴۴}.... مسئله‌ی زنان، مسئله‌ی مهمی است؛ بهترین کسانی هم که این مسئله را میتوانند دنبال کنند و حل کنند خود خانمها هستند.^{۴۵}.... عمده‌ی کار را خود بانوان باید انجام بدهند. شما هستید که میتوانید فکر کنید، اندیشه‌ورزی کنید، مطالعه کنید، معضلات را در مقام نظر و اندیشه حل کنید و در مقام عمل راهکار اجرائی ارائه بدهید. این، کار را بسیار آسان و نزدیک خواهد کرد.^{۴۶}.... در انقلابها، در همین حرکت بیداری عظیم اسلامی. من به شما عرض کنم، اگر زنان در حرکت اجتماعی یک ملتی حضور نداشته باشند، آن حرکت به جایی نخواهد رسید،

موفق نخواهد شد. اگر زنان در یک حرکت حضور پیدا نکنند، یک حضور جدی و آگاهانه و از روی بصیرت، آن حرکت به طور مضاعف پیشرفت خواهد کرد. در این حرکت عظیم بیداری اسلامی، نقش زنان، یک نقش بی بدیل است و باید ادامه پیدا کند.^{۴۷} امام نقش زنان را فهمید؛ والا بودند بزرگانی از علما که ما با اینها بگویم داشتیم، که اصلاً زنها در تظاهرات شرکت نکنند یا نکنند! آنها میگفتند زنها در تظاهرات شرکت نکنند. آن حصار محکمی که انسان به او تکیه میداد، خاطر جمع میشد، تا بتواند در مقابل اینجور نظراتی که از مراکز مهمی هم ارائه میشد، بایستد، حصار رأی امام و فکر امام و عزم امام بود.^{۴۸} اگر کشور بتواند جامعه زنان را با تکیه بر تعلیمات اسلامی، با همان معارفی که اسلام خواسته است، آشنا کند، من تردیدی ندارم که پیشرفت و ترقی و تعالی کشور مضاعف و چند برابر خواهد شد. در هر میدانی که بانوان مسؤولانه وارد شوند، پیشرفت در آن میدان چند برابر خواهد شد. خصوصیت حضور خانمها در میدانهای مختلف این است که وقتی زن خانواده وارد میدان میشود، یعنی همسر و فرزندان او هم واردند. حضور مرد به این معنا نیست، اما حضور زن به این معناست. در هر میدانی که زن وارد شود - زنی که خانم و کدبانوی یک خانه است - درحقیقت همه آن خانه را در آن میدان وارد میکند. حضور زنان در بخشهای مختلف بسیار مهم است.^{۴۹}

منابع و استنادات

- ۱) بیانات در دیدار اقشار مختلف بانوان (۱۴۰۱/۱۰/۱۴)
- ۲) بیانات در ارتباط تصویری با مداحان (۱۳۹۹/۱۱/۱۵)
- ۳) بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی (۱۳۹۰/۱۰/۱۴)
- ۴) بیانات در جمع زنان شهر ارومیه (۱۳۷۵/۰۶/۲۸)
- ۵) بیانات در دیدار جمعی از زنان (۱۳۷۶/۰۷/۳۰)
- ۶) بیانات در اجتماع زنان خوزستان (۱۳۷۵/۱۲/۲۰)
- ۷) بیانات در اجتماع زنان خوزستان (۱۳۷۵/۱۲/۲۰)
- ۸) بیانات در اجتماع زنان خوزستان (۱۳۷۵/۱۲/۲۰)
- ۹) بیانات در دیدار جمعی از زنان (۱۳۷۱/۰۹/۲۵)
- ۱۰) بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی (۱۳۹۰/۱۰/۱۴)
- ۱۱) بیانات در دیدار جمعی از زنان (۱۳۷۱/۰۹/۲۵)
- ۱۲) بیانات در خطبه‌های نماز جمعه (۱۳۶۵/۰۸/۰۹)
- ۱۳) بیانات در اجتماع زنان خوزستان (۱۳۷۵/۱۲/۲۰)
- ۱۴) بیانات در خطبه‌های نماز جمعه (۱۳۶۵/۰۸/۰۹)
- ۱۵) بیانات در اجتماع زنان خوزستان (۱۳۷۵/۱۲/۲۰)
- ۱۶) بیانات دیدار با گروه کثیری از زنان نخبه (۱۳۸۶/۰۴/۱۳)
- ۱۷) بیانات در دیدار جمعی از بانوان فرهیخته‌ی حوزوی و دانشگاهی (۳۹۲/۰۲/۲۱)
- ۱۸) بیانات در دیدار جمعی از زنان (۱۳۷۱/۰۹/۲۵)
- ۱۹) بیانات در دیدار اقشار مختلف بانوان (۱۴۰۱/۱۰/۱۴)
- ۲۰) بیانات در دیدار با پرسنل سازمان صنایع دفاع (۱۳۶۳/۰۷/۰۴)
- ۲۱) بیانات در دیدار اقشار مختلف بانوان (۱۴۰۱/۱۰/۱۴)
- ۲۲) بیانات در جمع زنان شهر ارومیه (۱۳۷۵/۰۶/۲۸)
- ۲۳) بیانات در دیدار اقشار مختلف بانوان (۱۴۰۱/۱۰/۱۴)
- ۲۴) بیانات در دیدار جمعی از جوانان (۱۳۷۷/۰۲/۰۷)
- ۲۵) بیانات در دیدار جمعی از مداحان (۱۳۸۴/۰۵/۰۵)
- ۲۶) بیانات در دیدار اقشار مختلف بانوان (۱۴۰۱/۱۰/۱۴)
- ۲۷) بیانات در جمع زنان شهر ارومیه (۱۳۷۵/۰۶/۲۸)
- ۲۸) بیانات در اجتماع زنان خوزستان (۱۳۷۵/۱۲/۲۰)
- ۲۹) بیانات در ۱۳۶۳/۱۲/۰۴
- ۳۰) بیانات در دیدار اقشار مختلف بانوان (۱۴۰۱/۱۰/۱۴)
- ۳۱) بیانات در دیدار جمعی از زنان (۱۳۷۶/۰۷/۳۰)
- ۳۲) بیانات در اجتماع زنان خوزستان (۱۳۷۵/۱۲/۲۰)
- ۳۳) مصاحبه پیرامون جایگاه زن در جمهوری اسلامی (۱۳۶۳/۱۲/۰۴)
- ۳۴) بیانات در دیدار اقشار مختلف بانوان (۱۴۰۱/۱۰/۱۴)
- ۳۵) بیانات در اجتماع زنان خوزستان (۱۳۷۵/۱۲/۲۰)

- ۳۶) بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی (۱۳۹۰/۱۰/۱۴)
- ۳۷) بیانات در جمع زنان شهر ارومیه (۱۳۷۵/۰۶/۲۸)
- ۳۸) بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی (۱۳۹۰/۱۰/۱۴)
- ۳۹) بیانات در دیدار جمعی از بانوان برگزیده کشور (۱۳۹۳/۰۱/۳۰)
- ۴۰) بیانات در دیدار جمعی از بانوان (۱۳۷۹/۰۶/۳۰)
- ۴۱) بیانات در دیدار جمعی از بانوان (۱۳۷۹/۰۶/۳۰)
- ۴۲) بیانات در دیدار جمعی از پرستاران نمونه کشور (۱۳۸۹/۰۲/۰۱)
- ۴۳) بیانات در دیدار جمعی از پرستاران (۱۳۷۳/۰۷/۲۰)
- ۴۴) بیانات در دیدار بانوان فرهیخته‌ی حوزوی و دانشگاهی (۱۳۹۲/۰۲/۲۱)
- بیانات در دیدار جمعی از بانوان پزشک (۱۳۶۸/۱۰/۲۶)
- ۴۵) بیانات در دیدار جمعی از بانوان برگزیده کشور (۱۳۹۳/۰۱/۳۰)
- ۴۶) بیانات در دیدار جمعی از بانوان نخبه (۱۳۹۰/۰۳/۰۱)
- ۴۷) بیانات در دیدار اجلاس جهانی زنان و بیداری اسلامی (۱۳۹۱/۰۴/۲۱)
- ۴۸) بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی (۱۳۹۰/۱۰/۱۴)
- ۴۹) بیانات در دیدار جمعی از زنان (۱۳۷۶/۰۷/۳۰)